



داکتر سید عبدالله کاظم

15 مارچ 2015

## تفاوت نظر برای جستجوی حقایق یک نعمت است!

دوست عزیز و دانشمند گرامی جناب داکتر صاحب هاشمیان! پس از سلام و احترام؛ از دوستی ما تقریباً چهار دهه می گذرد و خوشحالم با وجود تفاوت نظرهای کم و زیاد این دوستی پابرجا مانده و در آینده نیز انشاء الله به همین منوال باقی خواهد ماند، به این دلیل که هر دو در ابراز نظرهای خود صریح و فاقد از "دو روئی" بوده و هرگز نخواستیم این قضاوت های خود را تحت حب و بعضی های شخصی ارائه کنیم. من به زحمات شبانروزی شما در هجرت با نشر مسلسل مجله "آئینه افغانستان" که طی بیش از دو دهه یک آرشیف مکمل رویدادها و تحلیل های وطن است، مباحثات میکنم و به پشتکار و مبارزه شما آفرین میگویم. مسرورم که تفاوت نظرهای مافقط برای جستجوی حقایق از رویدادهای تاریخی و جاری وطن بوده و هیچگاه جنبه شخصی و یا جانبداری از این و یا آن نداشته است.

متأسفم که در عنوان نوشته مورخ 12 مارچ شما "انعکاس پروگرام روز جهانی زن وبسایت افغان جرمن آنلین در لعنت به فردوسی" از طرف ناشر در سه قسمت بی غوری صورت گرفته که شما آنرا در نوشته اخیر خود (مورخ 14 مارچ) به توجه رسانیده اید و این توضیح شما سؤال مرا در زمینه جواب گفته است که از شما ممنونم. خوب شد که این اشتباه به تاسی از خواهش شما بعداً بطور درست یعنی "انعکاس پروگرام روز جهانی زن در وبسایت افغان جرمن آنلین" اصلاح گردید و خواننده را از سر در گمی عنوان بیرون کرد.

از اینکه عکس تاریخی شاه و ملکه در اصل مقاله شما نبود و بدون اطلاع قبلی به شما در متن نوشته اضافه شده بود که برطبق موازین علمی و نشراتی معنی "تصرف" در نوشته را میدهد، ولی من آنرا یک ضمیمه خوب میدانم و از دیدن آن بسیار مشغوف شدم که پس از نهضت دوره دوم زنان ملکه معظمه فرصت یافت تا از محصوره اجباری ارگ بیرون شده و در معیت اعلیحضرت به سفرهای رسمی به خارج بپردازد و اینکار ادامه یک اقدام بزرگ تاریخی بود که طی دوره صدارت محمد داؤد خان صورت گرفت.

در ارتباط اینکه نهضت دوره دوم زنان "روی لچی" به حیث یک اقدام بزرگ در دوره سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و به موافقه ایشان صورت گرفته، جای شک نیست، ولی باید بین دو موضوع "حامی" و "بانی" فرق کرد. بانی این نهضت محمد داؤد خان شهید بود و حامی آن اعلیحضرت، چنانچه من ده سال قبل در کتاب "زنان زیر فشار عنعنه و تجدد" نوشتم که: «ملکه در یکی از روزهای جشن استقلال (1338) به معیت شاه در حضور مردم پدیدار گشت و به آغاز دومین نهضت زنان افغان رسمیت بخشید».

کسانیکه از تاریخ معاصر کشور بخصوص دوره سی ساله حکومت های خاندانی (سردار محمد هاشم خان، سردار شاه محمود خان غازی و سردار محمد داؤد خان) دقیقاً اطلاع دارند، میدانند که طی این سه دوره اختیارات کلی بدست سه صدراعظم بود، البته آنها موضوعات را به اطلاع پادشاه میرسانیدند و موافقه او را جلب میکردند. اشتباه است اگر گفته شود که شاه در زمان صدارت داؤد خان در امور مملکت دست باز داشت و تنها در دوره دو عم خود دست بسته بود. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که اعلیحضرت جرأت کرد وبا ترس و لرز و بوسیله اشخاص بطور غیرمستقیم دو عم خود را از مقام صدارت مستعفی ساخت، ولی در مورد داؤد خان اینکار را نکرد، بلکه داؤد خان خودش استعفی خود را تقدیم شاه کرد و شاه آنرا با تائی قبول نمود.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

جناب داکتر صاحب! شما نوشته اید: «در آنوقت [یعنی هنگام عملی کردن نهضت زنان 1338 - نویسنده] ازدواج غیرمعمول جنرال عبدالولی با شاهدخت بلقیس صورت نگرفته بود و این خاندان کاملاً متفق و یکدست بودند و در آخر هفته یک روز همه اعضای خاندان زن و مرد در ارگ جمع می شدند، مردها در یک اطاق یکی دو ساعت روی اوضاع مملکت و حکومت صحبت میکردند و تصمیمات متفق الرأی گرفته میشد، البته نظریات سردار محمد داؤد خان بحیث "اغلله" همیشه مورد قبول همگان بشمول پادشاه قرار میگرفت...». یقین دارم به شما بهتر معلوم است که نامزدی سردار عبدالولی با شاهدخت بلقیس در آخرین ماه های صدارت شاه محمود خان در سال 1331 (1952) در پاریس صورت گرفت و اینکار موجب نفاق خانوادگی گردید. لذا حین رویدست گرفتن نهضت زنان اثری چندان از "میز گرد" خانوادگی وجود نداشت و جای آنرا قدرت متمرکز در دست داؤد خان گرفته بود. این یک واقعیت تاریخی است که نمیتوان از آن انکار کرد و همین اختلاف خانوادگی و تمرکز بیش از حد قدرت در دست داؤد خان بود که اعلیحضرت را نگران تخریش آینده سلطنت ساخته بود و فکر کرد که با ماده 24 قانون اساسی 1343 پای خانواده سلطنتی را از سیاست بیرون نمود.

محترماً! حرف شما را کاملاً تائید میکنم که: «دل شیر داشتن خوب است، اما با تعمق و تدبیر!». واقعاً تعمق و تدبیری که در مورد اجرای پروگرام "روی لچی" رویدست گرفته شد، یکی از با تعمق ترین و با تدبیر ترین اقدامات آن دوره بود که چنین اقدام بزرگ بدون مشکلات جدی بطورکل بسیار آرام و بی سرو صدا موفقانه براه انداخته شد و حتی مخالفان داؤد خان براین حقیقت مهر تائید گذاشته اند.

اجازه بفرمائید با استفاده از فرصت در مورد نظر یک هموطن گرامی محترم جان محمد الکوزی یک تبصره بسیار کوتاه کنم که در ستون نظر سنجی ها فرموده اند: «مسأله آزادی زنان در افغانستان بشکل تجربوی ازطرف امریکائی ها در شهر لشکرگاه ولایت هلمند که از آن بنام امریکای کوچک هم یاد می شود، در دوران سلطنت سردار محمد ظاهر خان و سردار محمد داؤد خان شروع عملی شد...»

محترم آقای الکوزی! آنچه شما از آزادی زنان در لشکر گاه یاد آوری کرده اید، یک حالت خاص مربوط چند فامیل معدود بود که جنبه عام و رسمی نداشت، ولی نهضت زنان "روی لچی" در سال 1338 یک موضوع عام و یک اقدام رسمی دولت بود برای تمام کشور که تفاوت این دو موضوع از زمین تا آسمان است. از علاقمندی تان به موضوع تشکر.

در پایان میخواهم از جناب شما داکتر صاحب گرامی تشکر کنم و نیز امیدوارم که با ادامه همچو تبادل نظرها در روشن ساختن حقایق و شرح حال رویداد های مهم کشور که بخشی از تاریخ معاصرما را می سازد، گامی مثبت برداشته باشیم.

---

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ